

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

مسئله 32 تحرير الوسيله

امام خمینی (قدس سره) در کتاب تحریر الوسيله در مسئله 32 از مسائل حد ترخص، این مسئله را عنوان می‌کنند:

لو كان في السفينة و نحوها فشرع في الصلاة قبل حد الترخص بنية التمام ثم وصل إليه في الأثناء فإن كان قبل الدخول في ركوع الركعة الثالثة أتمها قصراً و صحت صلاته إن كان معتقداً لإتمامها قبل الوصول إلى حد الترخص، و إلا فإن وصل إليه قبل الدخول في الركعة الثالثة أتمها قصراً و صحت، و مع الدخول فيها فمحل إشكال، فالأحوط إتمامها قصراً ثم إعادتها تماماً، أو تماماً ثم الإعادة قصراً، كما أنه لو وصل إليه بعد الدخول في الركوع فمحل إشكال، فلا يترك الاحتياط بإتمامها تماماً ثم إعادتها قصراً، و لو كان في حال العود و شرع في الصلاة بنية القصر قبل الوصول إلى الحد ثم وصل إليه في الأثناء أتمها تماماً و صحت.^[1]

فرض مسئله این است که اگر کسی در یک مرکبی که در حال حرکت است و نماز خواندن در آن هم صحیح است (در کشتی می‌شود نماز خواند، در هواپیما جهت قبله را مشخص می‌کنند، لذا در صحت صلاة در حال سیر روی مرکب تردیدی وجود ندارد و در بعضی از روایاتش هم وارد شده که «أَوْ مَا تَرْضَى أَنْ تَصَلِّيَ صَلَاةَ نُوْحٍ»^[2] که معلوم می‌شود حضرت نوح (علیه السلام) هم در همان کشتی نماز خواند، این شخص تا سوار می‌شود قبل وصول به حد ترخص است و با نیت تمام، شروع به خواندن نماز می‌کند. بعد این کشتی که حرکت می‌کند به حد ترخص می‌رسد. در اینجا وظیفه این شخص چیست؟ چون در حد ترخص یکی از احکامش این است که قصر بر او تعیین پیدا می‌کند، او هم قصد مسافت دارد و الآن به حد ترخص که رسید.

امام خمینی (قدس سره) در اینجا مسئله را دو صورت کرده و می‌فرماید: این شخص؛ یا قبل از ورود به رکوع رکعت سوم است یا بعد از ورود به رکوع رکعت سوم، مرحوم سید در عروه صورت اولی که قبل از رکوع به رکعت ثالثه است را دو صورت کرده؛ یا قبل از قیام برای رکعت ثالثه است یا بعد القیام برای رکعت ثالثه است.

امام (قدس سره) می‌فرماید: «فإن كان قبل الدخول في ركوع الركعة الثالثة»، این اطلاق هم دارد یعنی اگرچه ایستاده، اما هنوز رکوع رکعت سوم را نرفته و کشتی به حد ترخص رسید، «أَتَمَّهَا قَصْرًا»؛ نماز را به صورت قصر تمام کند. البته باز اینجا این فرض پیش می‌آید که آن کشتی‌های غول‌پیکری که خیلی بزرگ است به صورتی که اگر سر کشتی به حد ترخص رسید و هنوز ته کشتی به حد ترخص نرسیده، اینجا حکم چیست؟ «أَتَمَّهَا قَصْرًا و صَحَّتْ صَلَاتُهُ». مرحوم سید هم می‌فرماید: «فإن كان قبل الدخول في قيام الركعة الثالثة أتمها قصراً و صَحَّتْ و كذا إذا دخل فيه قبل الدخول في الركوع».^[3]

بنابراین فرض ما در جایی است که سفینه رسید به حد ترخص و این آدم هم در حد ترخص قرار گرفت، مرحوم امام می‌فرماید:

«أتمّها قصرّاً و صحّت صلاته إن كان معتقداً لإتمامها قبل الوصول إلى حدّ الترخّص»، این عبارت چه می‌خواهد بگوید؟ این عبارت «إن كان معتقداً لإتمام الصلاة قبل الوصول إلى حد الترخّص»، در کلام سید(قدس سره) نیست. این شخص قبل از وصول به حد ترخص به نیت تمام نماز را شروع می‌کند که قبلاً این را فرض کردیم کسی که به نیت تمام نماز می‌خواند معتقد است که باید نمازش را تمام کند، «أتمّها قصرّاً و صحّت صلاته إن كان معتقداً لإتمامها قبل الوصول».

اگر از اول بگوید: این کشتی حرکت می‌کند و من در فاصله زمانی زودی به حد ترخص می‌رسم، نمی‌تواند نیت اتمام کند و این نیتی هم که می‌کند نیت غلطی است، در آنجا مفهومش این است که «إن لم يكن معتقداً لإتمامه قبل الوصول إلى حد الترخّص» نمازش باطل است.

به نظر من عبارت مرحوم امام یعنی عبارت: «أتمّها قصرّاً و صحّت صلاته إن كان معتقداً لإتمامه قبل الوصول إلى حد الترخّص»، به این معناست: «و إن لم يكن معتقداً لإتمامه» نمی‌تواند نیت تمام کند، اگر نمی‌تواند از اول نمازش اشکال دارد، یعنی اینجا باید نمازش را اعاده کند.

بعد می‌فرماید: «و إلا فإن وصل إليه قبل الدخول في الركعة الثالثة أتمّها قصرّاً و صحّت». اگر این عبارت بعد نبود مفهوم این بود که «لم يكن معتقداً لإتمامه قبل الوصول إلى حد الترخّص».

در تحریر امام(قدس سره) گاهی اوقات از این نکات اشتباهی هست؛ یعنی ایشان نوشته‌اند و بعد به دیگران داده‌اند و آنها دیدند و کم و زیاد شده است.^[4] در اینجا باید این باشد: «و إلا فإن وصل إليه قبل الدخول في الركعة الثالثة أتمّها قصرّاً و أعاده»؛ یعنی به جای «صحّت» باید «اعاده» باشد و اگر این باشد عبارت خیلی روان می‌شود و باید هم همینطور باشد؛ یعنی این شخص از اول نمی‌دانسته که آیا می‌تواند این را به اتمام برساند یا نه؟ گفته ممکن است برود به حد ترخص، پس چون مردد بوده «اعاده».

بنابراین یک قسم این است که «كان معتقداً لإتمامها»؛ یعنی اگر از او بپرسی: وقت این‌که چهار رکعت را قبل الوصول به حد الترخّص بخوانی داری؟ می‌گوید بله، اگر به این معتقد است نمازش صحیح است، اما اگر از اول مردد بوده، می‌گوید من نمی‌دانم اگر کشتی تند برود من یک رکعت بخوانم به حد ترخص رسیدم، اگر مردد بوده «أتمّها قصرّاً»، چون تبدل پیدا کرده و لکن «اعاده»، چون نیتش از اول درست نبوده است.

«و مع الدخول فيها فمحل اشكال»، با دخول در رکعت ثالثه در این‌که الآن رکوع رکعت ثالثه را رفته و به حد ترخص رسید، حال که محل اشکال است، «فالأحوط إتمامها قصرّاً ثم أعادتها تماماً»؛ احتیاط یکی از این دو راه است:

1. یا قصرّاً اتمام کند بعد تماماً اعاده کند، الآن ولو رکوع رفته اما بنشیند، «ثم أعادتها تماماً»، مرحوم سید می‌گوید: «و إن كان بعده»؛ یعنی بعد الدخول في الركوع در رکعت سوم، «فيحتمل وجوب الإتمام لأن الصلاة على ما افتتحت»، بعد می‌فرماید: «لكنّه مشکل فلا يترك الاحتياط بالاعادة قصرّاً أيضاً»، ولی مرحوم امام اینجا می‌فرماید: «فالأحوط إتمامها قصرّاً ثم أعادتها تماماً».

2. «أو تماماً ثم الاعادة قصرّاً»، اینجا هم عبارت را که خواستند تصحیح کنند، اول اتمامها قصرّاً بوده و بعد می‌شود تماماً؛ یعنی ممکن است از افرادی که تحریر الوسیله را تصحیح می‌کرده، به جای قصرّاً نوشته باید تماماً باشد «ثم الاعادة قصرّاً»؛ یعنی این را تمام کند؛ اما حالا که محل ترخص رسیده احتمال می‌دهد مأمور به واقعی‌اش قصر باشد، «ثم الاعادة قصرّاً»، فالأحوط اتمامها قصرّاً ثم أعادتها تماماً»، قطعاً غلط است و اصلاً وجهی برای اعاده تماماً وجود ندارد.

اینجا مسئله خیلی خلط شده، دنباله‌اش می‌فرماید: «كما أنه لو وصل إليه بعد الدخول في الركوع فمحل اشكال»، این «و مع

الدخول فيها محل اشكال» همین بود، «فلا يدرك الاحتياط باتمامها تماماً ثم اعادتها قصراً»، باز آن کسی که تصحیح می‌کرده کنارش «کما أنه» را به جای «و مع الدخول فيها» نوشته و این را دوباره اضافه کردند!

اینجا احوط آن است که بنشینند و قصراً تمام کند، این اعادتها تماماً چرا؟ عبارت: «کما أنه لو وصل إليه بعد الدخول في الركوع فمحل اشكال»، که اینجا عین عبارت سید است، «فلا يترك الاحتياط باتمامها تماماً ثم اعادتها قصراً». این در حال ذهاب بود.

حکم مسئله در صورت بازگشت

مرحوم امام می‌فرماید: «ولو كان في حال العود و شرع في الصلاة بنية القصر قبل الوصول الى الحد ثم وصل إليه في الأثناء أتمها تماماً و صحّت»، آنجا دیگر مشکلی ندارد از اول نیت قصر کرده دو رکعت نماز بخواند، حالا قبل از سلام رکعت دوم به حد ترخص رسید، اینجا نمازش را تماماً بخواند و نمازش صحیح است.

در اینجا باید دید که ادله‌اش چیست؟ اینجا هم حواشی عروه را ببینید، ما روایاتی که داریم «الصلاة على ما افتتحت» یک مراجعه‌ای هم به این روایات داشته باشید و بعضی از قواعد دیگری که آیا می‌توانیم بگوئیم کسی که رکوع در رکعت ثالثه را رفت به نفس رکوع تمامیت محقق می‌شود. لذا بعضی گفته‌اند: اگر رکوع رکعت سوم رفته تمام کند و دیگر نیاز به اعاده قصراً هم ندارد، به نفس رکوع در رکعت سوم این تمامیت محقق می‌شود.

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

[1] □ تحرير الوسيلة؛ ج1، ص: 256-257، مسئله 32.

[2] □ وسائل الشیعة، ج5، ص: 506، ح7183-9.

[3] □ «مسألة إذا كان في السفينة أو العربة فشرع في الصلاة قبل حد الترخص بنية التمام ثم في الأثناء وصل إليه فإن كان قبل الدخول في قيام الركعة الثالثة أتمها قصراً و صحت بل و كذا إذا دخل فيه قبل الدخول في الركوع و إن كان بعده فيحتمل وجوب الإتمام لأن الصلاة على ما افتتحت لكنه مشكل فلا يترك الاحتياط بالإعادة قصراً أيضاً و إذا شرع في الصلاة في حال العود قبل الوصول إلى الحد بنية القصر ثم في الأثناء وصل إليه أتمها تماماً و صحت و الأحوط في وجه إتمامها قصراً ثم إعادتها تماماً.» العروة الوثقى (للسيد اليزدي)؛ ج2، ص: 138، مسئله 67.

[4] □ نکته: مخصوصاً در نجف می‌دیدند، یادی هم کنیم از مرحوم والدمان رضوان الله تعالى علیه، امام(قدس سره) از جهت علمی نسبت به مرحوم والد ما بسیار اعتنا داشتند یک وقتی فرمودند که این مباحث اصولی که آقای فاضل نوشته‌اند با اینکه اینها مطالب و تحقیقات خودم هست، اما خود من به این خوبی نمی‌توانم بنویسم! ایشان در نجف که بودند کتاب‌هایی که می‌نوشتند من خوب یادم هست که گاهی به قم می‌فرستادند و دستور می‌دادند که آقای فاضل این کتاب را قبل از چاپ ببینند و اگر نظری دارند اعمال بشود، گاهی اوقات هم مرحوم والد ما مجال نداشت، مثلاً همین خلل در صلاة را به یکی از آقایان دیگر ارجاع دادند.